

# فهرست

## اندیشه اسلامی

فصل اول: انسان و ایمان	۷
فصل دوم: پیشینه و گستره خداباوری	۱۵
گفتار اول: تاریخچه خداباوری	۱۵
گفتار دوم: گزارشی از تنوعات تصور خدا در ادیان مختلف	۱۶
گفتار سوم: خدا در یهودیت	۱۷
گفتار چهارم: خدا در مسیحیت	۲۱
فصل سوم: خداشناسی اسلامی ۱ (راههای خدایابی)	۲۷
گفتار اول: روش‌شناسی شناخت خدا	۲۷
گفتار دوم: خدایابی از طریق دل و شهود فطری	۳۲
گفتار سوم: خدایابی از طریق عقل	۳۴
فصل چهارم: خداشناسی اسلامی ۲ (صفات خدا)	۴۵
گفتار اول: امکان شناخت صفات خداوند	۴۵
گفتار دوم: روش‌شناسی شناخت صفات خداوند	۴۷
گفتار سوم: آشنایی با مهمترین صفات خداوند	۴۸
گفتار چهارم: سایر صفات الهی	۵۲
فصل پنجم: معادشناسی	۶۵
گفتار اول: اعتقاد به زندگی پس از مرگ، بررسی چرایی و پیشینه	۶۵
گفتار دوم: دلایل زندگی پس از مرگ	۶۷
گفتار سوم: نقد و بررسی نظریه تناسخ	۶۸
گفتار چهارم: چگونگی زندگی پس از مرگ	۷۰
گفتار پنجم: بررسی اشکالات وارده بر زندگی پس از مرگ	۷۴

## انقلاب اسلامی ایران

بخش اول: وقوع انقلاب اسلامی ایران	۷۵
فصل اول: شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی	۷۷
فصل دوم: ماهیت انقلاب اسلامی و راههای شناخت آن	۸۱
فصل سوم: رهیافت علمی کتاب	۸۹
بخش دوم: پیامدها و دستاوردهای انقلاب در داخل	۹۱
فصل اول: نگرشی برنتایج و دستاوردها انقلاب اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی تاکنون	۹۱
فصل دوم: ثبات سیاسی و نظام‌سازی سریع انقلاب اسلامی پس از پیروزی و علل آن ثبات سیاسی و نظام‌سازی سریع انقلاب اسلامی پس از پیروزی و علل آن	۹۷
فصل سوم: اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران و نتایج آن	۱۰۳
بخش سوم: پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی در جهان	۱۰۷
فصل اول: تأثیرات فوری منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران (موج دوم بیداری اسلامی)	۱۰۷
فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام دوقطبی (فروپاشی بلوک شرق)	۱۱۵
فصل سوم: انقلاب اسلامی و غرب	۱۲۱
فصل چهارم: انقلاب اسلامی و تغییر در هندسه قدرت در منطقه	۱۲۹
بخش چهارم: چند مقوله برای دستیابی به آینده مطلوب	۱۳۵
فصل اول: گردش خواص سیاسی شایسته	۱۳۵
فصل دوم: تهدیدات اقتصادی علیه انقلاب اسلامی	۱۴۱
فصل سوم: بایسته‌های رفتاری کشور در دوره پسابرجام	۱۴۷
فصل چهارم: مزیت‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلتیک جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر اقتدار بین‌المللی کشور	۱۵۱
فصل پنجم: درس‌های انقلاب اسلامی برای تداوم بیداری اسلامی	۱۵۵
بخش پنجم: به سوی تمدن نوین اسلامی	۱۵۹
فصل اول: نظریه پردازی در علوم انسانی - اجتماعی و رفتاری	۱۵۹
فصل دوم: بحران‌ها و چالش‌های کنونی تمدن غربی	۱۶۷
فصل سوم: فرصت‌ها و امکانات در مسیر تشکیل تمدن نوین اسلامی	۱۷۳

# اندیشه اسلامی



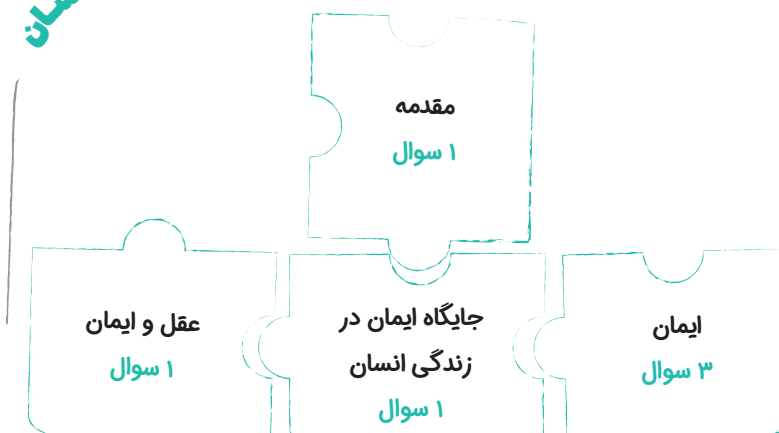
# بخش اول: انسان و ایمان

فصل اول

## انسان و ایمان

در این فصل ابتدا به بررسی مقوله ایمان پرداخته شده است. آیا ایمان از سنخ باور به گزاره است یا اینکه علاوه بر باور، نیازمند مؤلفه یا مؤلفه‌های دیگر نیز هستیم؟ ایمان به خداوند چه نقشی در زندگی انسان دارد؟ درنهایت نیز به بررسی چند نظریه عمده در خصوص رابطه عقل و دین می‌پردازیم.

انسان



مقدمه

۱ کدامیک از اندیشمندان زیر رویکرد تحویل‌گرایانه نداشته‌اند؟

(د) فروید

(ج) باخ

(ب) پاسکال

(الف) مارکس

B

گزینه ب

برخی، ادیان را امری ساخته دست بشر دانسته‌اند.

مارکس در زمانه‌ای می‌زیست که طبقات مرفه جامعه با سوءاستفاده از عقاید دینی مسیحیان و تفسیرهای ناروا از آنها، طبقات ضعیف جامعه را استثمار می‌کردند. در چنین شرایطی مارکس بدون توجه به تمایز میان «یک عقیده» و «سوءاستفاده از یک عقیده» به اشتباه دین را ساخته طبقات مرفه جامعه برای استثمار طبقات ضعیف جامعه دانست.

فولر باخ، دیگر فردی است که خداوند را ساخته ذهن بشر و بدون واقعیت خارجی دانسته است. او معتقد بود که انسان داری دو «من» است؛



یکی «من فرودین» و دیگری «من متعالی». از نظر او درگیر شدن انسان با «من فرودین» یا همان «من زمینی»، سبب فراموش کردن «من متعالی» می‌شود و این مسئله سبب می‌شود که انسان «من متعالی» خود را در آسمان‌ها جستجو کند و آن را خدا بنامد. فروید دیگر شخصی است که خداوند را ساخته ذهنیت انسان می‌داند. از نظر او، انسان در کودکی پدر خودش را قهرمان زندگی می‌داند. از نظر کودک، پدر او می‌تواند کارهای بزرگ را انجام دهد و در مشکلات زندگی یاور او باشد. انسان با چنین اعتقادی بزرگ می‌شود و در سنین بزرگی درمی‌یابد که پدر خود او نیز قادر نیست بر مشکلات فائق شود. از آنجا که کودک با اعتقاد به قهرمان بودن پدر، بزرگ شده و این اعتقاد در او نهادینه گشته است و از سوی دیگر عجز پدر خود را در مواجهه با مشکلات در بزرگسالی می‌یابد، اعتقاد به وجود پدری آسمانی در ذهن انسان نقش می‌بندد. روشن است که چنین تحلیلی در مورد علت اعتقاد انسان به وجود خداوند نگاهی به دین مسیحیت دارد که در مورد خداوند، بیشتر از تعبیر پدر استفاده شده است.

هر سه رویکرد ذکر شده، **رویکرد تحویل گرایانه** هستند که تلاش می‌کنند وجود خداوند را به عنوان وجودی فراجاهانی انکار کنند و آن حقیقت متعالی را به اموری مثل من متعالی یا امری ذهنی که ساخته قوه آرزوآندیشی انسان است، کاهش دهند. رویکرد تحویل گرایانه در اغلب ملحدین دیده می‌شود.

## ایمان

۲ در سوره حمد آیات «سپاس از آن خداوندی است که پروردگار عالمیان می‌باشد» و «فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم» به ترتیب بیانگر کدام تلقی از ایمان است؟

الف) گزاره‌ای - گزاره‌ای (ب) گزاره‌ای - ارتباطی (ج) ارتباطی - ارتباطی (د) گزاره‌ای - گزاره‌ای

### گزینه ب

وقتی کسی می‌گوید «به وجود خداوند ایمان دارم»، مقصود واقعی او چیست؟ آیا مقصود آن است که او به این قضیه اعتقاد یقینی دارد یا اینکه او خود را وابسته به وجود حقیقی خداوند می‌داند و به او اعتماد می‌کند؟ اگر مقصود از این جمله را اعتقاد یقینی به این قضیه بدانیم تلقی ما از ایمان، **تلقی گزاره‌ای** است. در این تفسیر از ایمان، **باور به گزاره‌های دینی** به ویژه گزاره‌های محوری مثل «خداوند موجود است»، «خداوند عادل است»، «روز قیامت روز حسابرسی اعمال دنیوی انسان است» و «خداوند پیامبران را برای راهنمایی بشر مبعوث کرده است» همان ایمان است. در مقابل اگر ایمان را ارتباط شخصی با وجود حقیقی خداوند بدانیم. تلقی دوم را که در پرسش قبلی گفتیم برگزیده‌ایم. در این تلقی رابطه انسان با خداوند در مقام تمثیل همانند رابطه او با یکی از دوستان خود اوست. ما با وجود دوست خود در ارتباط هستیم و این گونه نیست که صرفاً به مجموعه‌ای از گزاره‌ها درباره او اعتقاد یقینی داشته باشیم. جالب آن است که این دو نگاه با یکدیگر در نماز آمده‌اند. در آیات ابتدایی سوره حمد، ابتدا ایمان خود را در قالب اعتقاد یقینی به گزاره‌هایی همچون «سپاس از آن خداوندی است که پروردگار عالمیان می‌باشد» بیان می‌کنیم و در ادامه در رابطه‌ای شخصی با وجود خداوند، درخواست‌های خود را از آن حضرت متعال درخواست می‌کنیم. آنجا که در سوره حمد، خداوند را مستقیماً مورد خطاب قرار می‌دهیم و می‌گوییم که «فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم» خود را در ارتباطی مستقیم با خداوند قرار می‌دهیم.

۳ کدامیک از مولفه‌های اساسی ایمان نیست؟

الف) باور به وجود خدا (ب) عمل به مقتضای باورها (ج) تولی و تبری (د) ابراز ایمان به زبان

### گزینه ج

محدود کردن حقیقت ایمان به «اعتقاد یقینی به مجموعه‌ای از گزاره‌ها» یا «ارتباط با وجودی واقعی» صحیح نیست و حقیقت ایمان نیازمند مؤلفه‌های دیگری نیز هست. به عنوان یک نمونه می‌توان «شیطان» را به عنوان شاهد مثال ذکر کرد. شیطان باور دارد که خداوند موجود است و خداوند پیامبران را برای هدایت بشر فرستاده است. همچنین او به دیگر مسائل محوری همچون صفات خداوند و وجود معاد باور



دارد. از سوی دیگر او وجود خداوند را به عنوان یک موجود واقعی که هر موجودی در عالم به او وابسته است پذیرفته. در عین حال می‌دانیم که شیطان، به خداوند ایمان ندارد. علت عدم ایمان شیطان، عدم عمل او به مقتضای اعتقادات و رابطه با خداوند است. او خدا را نمی‌پرستد و عمل صالح انجام نمی‌دهد. لذا مؤلفه دیگر ایمان، **عمل به مقتضای باورهای محوری** درباره خداوند، جهان و انسان است. شیطان مؤمن نیست چون که به مقتضای باورهای خود عمل نمی‌کند.

ایمان به عنوان یک حقیقت، کل وجود انسان را دربر می‌گیرد؛ وجودی که نظر و عمل دو جنبه از این وجود هستند. لذا ایمانی که صرفاً در مقام معرفت محدود بماند و به عمل سرایت نکند در واقع ایمان نبوده است.

ماهیت ایمان را سه مؤلفه اساسی تشکیل می‌دهد:

۱. باور به وجود خداوند و حقایق محوری در مورد خداوند، جهان و انسان همچون صفات کمال خداوند، مخلوق بودن جهان و انسان و استمرار زندگی انسان و پاسخگویی او به اعمال خود

۲. عمل به مقتضای این باورها

۳. ابراز ایمان به زبان در جهت شریک کردن دیگران در ایمان به خداوند

#### ۴ مقصود از آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» چیست؟

(الف) ماهیت ایمان را بیان می‌کند. (ب) درجه دار بودن ایمان را بیان می‌کند.

(ج) جایگاه ایمان در زندگی انسان را بیان می‌کند. (د) رابطه عقل و ایمان را بیان می‌کند.



#### گزینه ب

پرسش دیگری که به تبع بحث ماهیت ایمان مطرح می‌شود، آن است که آیا ایمان امری ثابت است و یا دارای درجات متعدد می‌باشد. در برخی آیات قرآن خداوند مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد که ایمان بیاورند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا...». چنین خطابی را چگونه باید فهم کرد؟ آیا مقصود آن است که مؤمنان غیرواقعی، ایمان واقعی پیدا کنند و یا مقصود آن است که مؤمنان واقعی ایمان بالاتر پیدا کنند؟ پذیرش تلقی دوم، به معنای پذیرش درجه دار بودن ایمان است.

### جایگاه ایمان در زندگی انسان

#### ۵ آیا اخلاق بدون دین به حیات خود می‌تواند ادامه دهد؟

(الف) خیر، زیرا عقل به تنهایی و در مقام غفلت از خداوند به نحو صحیح و مناسب عمل نخواهد کرد.

(ب) بله، عقل جمعی می‌تواند صلاح کار و کار درست را بفهمد.

(ج) خیر، زیرا در این جهان پیامبران وجود داشته‌اند که علاقه به اخلاق را در وجود انسانها رسوخ داده‌اند.

(د) الف و ج



#### گزینه د

**نقش روانشناختی:** هر فردی، فارغ از مسلمان و یا غیرمسلمان و متدین یا غیرمتدین بودن به هنگام سختی‌های زندگی، خصوصاً آنجا که مرگ را نزدیک بباید، احساس می‌کند که موجودی متعالی می‌تواند یاور او باشد و او را از مشکلات نجات بخشد. در متون دینی به وجود چنین احساسی اشاره شده است. در قرآن می‌خوانیم:

«هنگامی که سوار بر کشتی می‌شوند خداوند را با اخلاص می‌خوانند ...»

یا در آیه‌ای دیگر چنین می‌خوانیم:

«او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد، زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید و بادهای موافق آنان را حرکت می‌دهد، خوشحال می‌شوند؛ ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد و امواج از هر سو به سراغ آنها می‌آید و گمان می‌کنند که هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود.»



احساس دلبستگی به یک قدرت ماورایی که به فکر انسان‌هاست و در شرایط سخت به آنان کمک می‌کند به قدری عمومیت دارد که برخی اندیشمندان وجود آن را بهترین دلیل بر وجود خداوند دانسته‌اند.

ایمان به خداوند، سبب شکوفا شدن احساس امید در نهال وجود انسان می‌شود و یأس را از وجود او می‌زداید. ایمان به خداوند نیاز ضروری انسان به معنویت را پوشش می‌دهد.

**کارکرد اخلاقی و جامعه‌شناختی:** فقط می‌توانیم مختصراً بگوییم که کارکرد اخلاقی و جامعه‌شناختی ایمان کمتر از کارکردهای روان‌شناختی آن نیست. ایمان به وجود خداوند در هر جا که قرین انسان شود حرص را از زندگی انسان می‌زداید و او را متصف به فضایل متعدد فردی و اجتماعی می‌کند. آنان که معتقدند اخلاق می‌تواند بدون دین نیز به حیات خود ادامه دهد از دو حقیقت عمده غافلند، نخست آنکه حتی اگر اخلاق امری مستقل از خداوند باشد و بشر بتواند از طریق عقل خود احکام اخلاقی صحیح صادر کند اما این انسان با قوایی که خداوند برای او طراحی کرده چنین می‌کند و همین قوای طراحی شده از سوی خداوند در مقام غفلت از خداوند به نحو صحیح و مناسب عمل نخواهد کرد. وضعیت این قوا در هنگام عدم ایمان به خداوند همچون چشمی است که مانعی از دیدن آن جلوگیری نماید. نکته دوم مورد غفلت آن است که ما در جهانی که پیامبران و مصلحان دینی از سوی خداوند برای توجه دادن انسان به خداوند و عالم غیب ارسال شده‌اند زندگی می‌کنیم و اگر احکامی اخلاقی در عالم مورد رعایت قرار می‌گیرد به دلیل وجود این اسوه‌های عملی بوده‌اند که علاقه به اخلاق را در وجود انسانها رسوخ داده‌اند.

## عقل و ایمان

### ۶ نظر ابن سینا در ارتباط با عقل و ایمان چیست؟

- (الف) وجود خداوند را صرفاً با استدلال عقلی می‌توان پذیرفت.
- (ب) خداوند را بی نیاز از اثبات می‌داند.
- (ج) رویکرد مصلحت‌اندیشانه دارد.
- (د) استدلال‌های عقلانی را مضر به حال ایمان و شورمندی دینی می‌داند.

A

### گزینه الف

آیا نیازی به استدلال بر وجود یا عدم وجود خداوند هست؟

عده‌ای از ملحدان همچون **آنتونی فلو** وضعیت انسان‌ها را در تعامل با گزاره‌های محوری دینی همانند تعامل با دعاوی دادگاهی دانسته‌اند. فلو در آثار خود تأکید دارد که وظیفه **اقامه دلایل برعهده خداپاواران است و ملحد نیازی به اقامه استدلال ندارد.**

در مقابل برخی ملحدان همچون **مایکل مارتین، ملحدان را نیز موظف به اقامه استدلال می‌داند و خودش تلاش کرده است که استدلال‌هایی را در همین مورد اقامه کند.**

در میان متدینان نیز عده‌ای با تأکید بر شناخت فطری تمام انسان‌ها از خداوند و اینکه عواملی همچون، گناه سبب فراموش کردن خداوند و فروغلطیدن در دام الحاد می‌شود، خداوند را بی نیاز از اثبات دانسته‌اند. خداوند برای یک مؤمن، حضوری دائم دارد و چه نیازی است که چنین موجودی را از طریق استدلال عقلی اثبات نماییم.

البته در این نگاه، لازم است به اشکالات ملحدان پاسخ داد و تهیه استدلال‌ها برای توجه دادن ملحدان به وجود خداوند مفید است. می‌توان گفت استدلال‌هایی که در قدیم به عنوان اثبات کننده وجود خداوند و دیگر باورهای محوری دینی لحاظ می‌شد، در این دیدگاه جنبه تأییدی دارند و به همین جهت مفیدند. به نظر می‌رسد که این دیدگاه، در مورد باورهای محوری دینی مثل وجود خداوند و وجود عالم دیگر دیدگاه ارجح باشد. در مقابل این دیدگاه ارجح، دیدگاه‌های دیگری نیز در میان خداپاواران وجود دارد که آشنا بودن با آنها خالی از فایده نیست. برخی از خداپاواران بر این عقیده هستند که وجود خداوند را صرفاً با استدلال عقلی می‌توان پذیرفت. در این نگاه، مؤمنان وظیفه دارند، اعتقاد خود به باورهای دینی را مستدل کنند و اگر بدون استدلال، مطلبی را بپذیرند حتی از سوی خداوند نیز آمرزیده نیستند. اغلب فیلسوفان مسلمان در قدیم چنین اعتقادی داشته‌اند. یک نمونه واضح، ابن‌سیناست که در کتاب مشهور خود شفا تصریح می‌کند که وجود خداوند نیازمند اثبات است.





در میان مسیحیان نظریه دیگری وجود دارد که استدلال‌های عقلانی را مضر به حال ایمان و شورمندی دینی می‌داند. نماینده شاخص این دیدگاه فیلسوف مسیحی دانمارکی، کرکگور است. روشن است که این نظریه، مردود است زیرا تعصب بدون تعقل غالباً به جمود می‌انجامد و سرانجام خوبی ندارد.

در قرن بیستم، نظریه‌ای متولد شد که استدلال‌های عقلانی را بی‌ارتباط با ایمان دینی می‌دانست. این نظریه در دوران جدید بر مبنای زبان شناختی بنا گردید. به همین دلیل می‌توان گفت که این نظریه، زنده شدن نظریه‌ای قدیمی است که معتقد به تمایز عقل و دین و بی‌ارتباطی آن دو با یکدیگر بود؛ نظریه‌ای که شاید بتوان ابن رشد را فیلسوف شاخص آن دانست. در هر حال نماینده تعبیر جدید این نظریه در دوران معاصر ویتگنشتاین است.

از نظر ویتگنشتاین، الفاظ در زمینه‌های اجتماعی گوناگون و بر اساس پیروی از قواعد نانوشته در میان مردم معنا می‌یابند. با توجه به وجود نحوه‌های مختلف زندگی که هریک قواعد نانوشته مخصوص به خود را دارند، معنای الفاظ در نحوه‌های مختلف زندگی متفاوت است. در میان رویکردهای جدید به مسئله وجود خداوند **رویکرد عمل‌گرایانه** که می‌توان آن را احیای نظریات قدیم در سنت اسلامی دانست به چشم می‌خورد. نماینده این تفکر در مغرب زمین، الاهیدان، فیزیکدان و ریاضیدان شهیر فرانسوی **پاسکال** است که در قرن هفدهم میلادی نظریه خود را در تأثیرپذیری با واسطه از غزالی ارائه کرده است و غزالی نیز در مطالب خود متأثر از حدیثی از حضرت علی است. پاسکال در رویکرد خود به جنبه مصلحت اندیشانه انسان توجه دارد. حتی اگر استدلال‌های عقلانی در اثبات وجود خداوند ناتوان باشند، **باز جنبه مصلحت اندیشانه انسان** به او حکم می‌کند که وجود خداوند را مورد پذیرش قرار دهد زیرا در مقابل هر شخصی در خصوص وجود خداوند و وجود جهان پس از مرگ، دو گزینه وجود دارد:

۱. خدا وجود دارد و لذا در صورت اعتقاد به وجود خداوند، انسان می‌تواند به سود و سعادت ابدی و لایتنهای دست یابد و در صورت عدم اعتقاد به وجود خداوند از این سعادت محروم و به شقاوت ابدی و لایتنهای گرفتار شود.

۲. خدا وجود ندارد و بنابراین در صورت اعتقاد به وجود او انسان برخی از سودهای این جهانی را از دست می‌دهند و در صورت عدم اعتقاد به خداوند چیزی را از دست نمی‌دهد.

حال اگر کسی بر سرعت وجود خداوند شرط بندی کند و برنده شود سود چندانی را به دست نمی‌آورد اما اگر خداوند وجود داشته باشد و او شرط خود را ببازد، عواقب این باخت بسیار دهشتناک و نامتناهی خواهد بود. در چنین وضعیتی عقل مصلحت اندیش انسان حکم می‌کند که پذیرش وجود خداوند به لحاظ عقل عملی، معقول محسوب می‌شود و انسان عاقل می‌بایست وجود خداوند را بپذیرد.

## نَبِّ مطلب

۱. مارکس، دین را ساخته طبقات مرفه جامعه برای استثمار طبقات ضعیف جامعه دانست
۲. از نظر **فوئر باخ** درگیر شدن انسان با «من فرودین» یا همان «من زمینی»، سبب فراموش کردن «من متعالی» می‌شود و این مسئله سبب می‌شود که انسان «من متعالی» خود را در آسمان‌ها جستجو کند و آن را خدا بنامد.
۳. از نظر **فروید**، انسان در کودکی پدر خودش را **قهرمان زندگی** می‌داند و در ادامه اعتقاد به وجود پدری آسمانی در ذهن انسان نقش می‌بندد
۴. هر سه نظریه **رویکرد تحویل‌گرایانه** هستند
۵. آیه یا أَتُهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمَنُوا ... به معنای پذیرش درجه دار بودن ایمان است.
۶. ابن سینا: وجود خداوند را صرفاً با استدلال عقلی می‌توان پذیرفت
۷. ویتگنشتاین: معنای الفاظ در نحوه‌های مختلف زندگی متفاوت است.
۸. پاسکال **رویکرد عمل‌گرایانه** دارد و می‌گوید حتی اگر استدلال‌های عقلانی در اثبات وجود خداوند ناتوان باشند، باز جنبه **مصلحت اندیشانه** انسان به او حکم می‌کند که وجود خداوند را مورد پذیرش قرار دهد

## آزمون پایان فصل

۱. نظریه «استدلال‌های عقلانی به علت مبانی زبان شناختی، بی‌ارتباط با ایمان دینی است» مربوط به مکتب کدام اندیشمند است؟

الف) پاسکال      ب) فروید

ج) ابن سینا      د) ویتگنشتاین

۲. انسان داری دو «من» است. یکی «من فرودین» و دیگری «من متعالی» مربوط به کدام اندیشمند است؟

الف) فروید

ب) مارکس

ج) ابن رشد

د) باخ

## پاسخنامه کلیری

B	۲	A	۱
د	د	د	د



# انقلاب اسلامی



## بخش اول: وقوع انقلاب اسلامی ایران

### فصل اول

## شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی

این فصل خلاصه و مختصر است و پیرامون سه عامل موثر در ایجاد دوقطبی و انقلاب اسلامی ایران بحث می‌کند.

### شکل‌گیری و پیروزی انقلاب

الف) نقش ویژگی‌ها و

ب) نقش ویژگی‌ها و

ج) اقدامات ضدانقلابی

اقدامات قدرت سیاسی

قدرت‌های بیگانه

۱ سوال

۱ سوال

۱ سوال

استاد مرتضی مطهری انقلاب را عصیان و طغیان مردم یک ناحیه یا سرزمین علیه نظم حاکم برای ایجاد نظم مطلوب دانسته که با حس پرخاشگری و روحیه طرد ظلم همراه است. به نظر ایشان جهت‌گیری نهضت‌های الهی به سوی مستضعفین است، اما خاستگاه آن صرفاً مستضعفین نیست. برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به پیش زمینه‌هایی نیاز است. در هر انقلابی **دو قطبی شدن جامعه** دیده می‌شود؛ یعنی قرار گرفتن دو نیرو در مقابل یکدیگر و عدم امکان آشتی میان آن دو: یکی **قدرت سیاسی** و دیگری **نیروی اجتماعی (انقلابی)**

## الف) نقش ویژگی‌ها و اقدامات قدرت سیاسی

### ۱. مفهوم انقلاب و ویژگی‌های آن

۱ در دوقطبی شدن در انقلاب کدام دو نیرو در برابر هم قرار می‌گیرند؟

الف) نیروی سیاسی و نیروی انقلابی

ب) نیروی سیاسی و نیروی اجتماعی

ج) نیروی سیاسی و نیروی نظامی

د) الف و ب



گزینه د

قدرت سیاسی وابسته، مستبد و ناکارآمد، روزمره دست به اقداماتی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌زند که مردم آن را برنمی‌تابند؛ اقداماتی که جامعه را آرام آرام به سمت دو قطبی شدن پیش می‌برد.



## ب) نقش ویژگی‌ها و اقدامات نیروی انقلابی (اجتماعی)

۲ در انقلاب اسلامی نیروی انقلابی شامل کدام مورد زیر نمی‌شود؟

- الف) آرمان‌های انقلابی اسلامی  
ب) نیروی نظامی  
ج) مردم معتقد  
د) رهبری انقلاب اسلامی

A

گزینه ب

در انقلاب اسلامی نیروی انقلابی شامل آرمان‌های انقلابی اسلامی، رهبری انقلابی اسلامی و مردم معتقد، دین‌دار و همراه است. در انقلاب اسلامی (بلکه در هر انقلابی) بهترین نتیجه زمانی حاصل خواهد شد که رهبری در درون خود وحدت داشته و از نظر شخصیتی از اراده و اعتماد به نفس قوی برخوردار باشد و راهبردهای حساب شده‌ای را براساس شرایط موجود برگزیند.

## ج) اقدامات ضدانقلابی قدرت‌های بیگانه

### ۱. مفهوم انقلاب و ویژگی‌های آن

۳ لیبی، نمونه ای از کدام اقدامات ضدانقلابی قدرت‌های بیگانه است؟

- الف) دخالت نظامی عوام فریبانه و ظاهراً بشردوستانه  
ب) درخواست از سران کشورها برای خروج از قدرت و سپردن آن به نظامیان  
ج) تلاش برای نفوذ در میان انقلابی‌های سست عقیده  
د) فراهم کردن شرایط برای دخالت نظامی همسایگان

C

گزینه الف

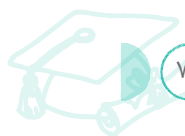
با وقوع هر انقلاب به ویژه انقلاب‌هایی با صبغه و ماهیت اسلامی، قدرت یا قدرت‌های سلطه‌گر خارجی نیز به تکاپو افتاده برای حفظ منافع استعماری خود اقدامات گسترده و خاصی را برحسب شرایط انجام می‌دهند. این تلاش‌ها طیفی از اقدامات را شامل می‌شود: دخالت نظامی عوام فریبانه و ظاهراً بشردوستانه مانند لیبی درخواست از سران کشورها برای خروج از قدرت و سپردن آن به نظامیان مانند نمونه مصر و تونس به منظور خریدن زمان برای ایجاد تغییرات به نفع خود در آینده فراهم کردن شرایط برای دخالت نظامی همسایگان (مانند مداخله نظامی عربستان و امارات در دو کشور بحرین و یمن). مداخله مستقیم نظامی در صورتی که شرایط داخلی و بین‌المللی به آنها اجازه دهد؛ نظیر دخالت نظامی آمریکا در ویتنام که به شکستی رسوا انجامید. تلاش برای نفوذ در میان انقلابی‌های سست عقیده تحریم‌های اقتصادی در دوره پس از پیروزی انقلاب





## نَبِ مطلب

در هر انقلابی دو قطبی شدن جامعه دیده می‌شود؛ یعنی قرار گرفتن دو نیرو در مقابل یکدیگر و عدم امکان آشتی میان آن دو: یکی قدرت سیاسی و دیگری نیروی اجتماعی (انقلابی)



## آزمون پایان فصل

۱. حربه « درخواست از سران کشورها برای خروج از قدرت و سپردن آن به نظامیان » در کدام کشور انجام شد؟

الف) مصر      ب) ایران

ج) عراق      د) یمن

## پاسخنامه کلیری

۱  
الف